

شرایط تذکر و نصیحت از دیدگاه قرآن کریم

احمدعلتیان| در ادامه مرور سوره های قرآن کریم به سوره مبارک اعلی (برتر) رسیدیم و آیات یک تا ۵ را باهم تلاوت کردیم. خداوند متعال در آیات ۶ تا ۱۳ این سوره می فرماید: «ما تو را به قرائت درست وامی داریم. پس فراموش نخواهی کرد؛ مگر آنچه خدا بخواهد که اوبی گمان آشکار و نهان را می داند و ما تو را برای آسان ترین [راه دعوت] آماده می سازیم. پس تذکر بده. [البته] اگر تذکر مفید افتد. هرکه خشیت الهی داشته باشد، به زودی پند گیرد و بدیخت ترین افراد از آن دوری کند؛ همان کسی که به آتش بزرگ درافتد، پس در آنجانه بمیرد و نه زندگانی کند.»

در ابتدای سوره، خداوند متعال از آفرینش هستی و هدایت تکوینی آن، مثل رشد و نمو گیاهان و سبزه زار سخن گفت و در این آیات از هدایت معنوی انسان ها سخن می گوید. خدایی که گیاه را از درون خاک بیرون می کشد، استعداد های معنوی انسان را نیز بروز می دهد و پیامبران را برای هدایت او می فرستد. همچنین خداوند به پیامبرش وعده داد که از هرگونه فراموشی، او را دور خواهد کرد.

از ادامه این آیات می توان شرایط تذکر و موعظه را استفاده کرد. تذکر دهندہ باید آمادگی لازم را داشته باشد. خودش اهل فراموشی نباشد. تذکر و موعظه او براساس قرآن باشد و به کمک خداوند در این مسیر امیدوار باشد. شرط مهم دیگر، پندپذیری طرف مقابل است و خداوند در این آیات می فرماید که پیامبر^(ص) در برابر افراد پندناپذیر مسئولیتی ندارد، پس نباید توقع اصلاح همه مردم را داشت؛ زیرا فقط افراد خداترس، تذکر را می پذیرند. همچنین بدیخت ترین مردم کسی است که پند را نمی پذیرد و از خداوند نمی ترسد.

حکمت

به چه کسی تکیه کردی؟



علیرضا وکیلی| زندگی همیشه مطابق برنامه ما پیش نمی رود. گاهی برای حل یک مشکل، همه راه هایی را که بلدیم، امتحان می کنیم؛ با دیگران مشورت می کنیم، تلاش می کنیم و از هر راهی که به ذهلمان می رسد، کمک می گیریم اما بازهم مسئله حل نمی شود. در چنین لحظه هایی، بعضی ها احساس می کنند دیگر هیچ کاری از دستشان برنمی آید و بعضی دیگر آن قدر درگیر نگرانی می شوند که حتی توان تصمیم گرفتن را هم از دست می دهند. اما در نگاه حضرت امیرالمؤمنین^(ع)، انسان در این لحظات هم نباید پناهگاه اصلی خود را فراموش کند. حضرت در نامه ۳۱ نهج البلاغه می فرمایند: «وَأَلْجِ نَفْسُکَ فِی أَمَوْتَکَ کَلْبًا إِلَى إِلَهِکَ فَإِنَّکَ تَلْجُئُهَا إِلَى کَهْفٍ خَرِیْظٍ وَمَنَاعِ غَزِیْزٍ. در همه کارهایت، خود را به پروردگارت، پناهنده کن؛ زیرا خود را به پناهگاهی استوار و بازدارنده ای قدرتمند سپرده ای.» تعبیر امام^(ع) تأمل برانگیز است؛ «در همه کارهایت» نه فقط وقتی گرفتار بحران شده ای. نه فقط وقتی از دیگران ناامید شده ای و نه فقط وقتی به خواسته ات نرسیده ای. رابطه با خدا قرار نیست آخرین راهی باشد که پس از شکست همه راه ها به سراغش برویم؛ باید در متن زندگی ما حضور داشته باشد. البته پناه بردن به خدا به معنای کنار گذاشتن تلاش، مشورت یا استفاده از امکانات نیست. کسی که برای مشکل مالی اش دعا می کند، باید برای اصلاح وضعیت مالی خود نیز برنامه داشته باشد. کسی که نگران آینده فرزندش است، هم باید از خدا کمک بخواهد و هم با فرزندش گفت وگو کند و مسئولیت تربیتی خود را انجام دهد.

توکل یعنی تلاش کنیم، اما تمام امنیت و امیدمان را به نتیجه ای که در اختیار ما نیست، گره نزنیم. گاهی چیزی که بیش از خود مشکل ما را فرسوده می کند، این تصور است که باید به تنهایی همه چیز را کنترل کنیم؛ باید همه پاسخ ها را بدانی و اجازه ندهی هیچ اتفاق پیش بینی نشده ای رخ دهد. یاد خدا به انسان، کمک می کند بپذیرد که مسئول تلاش خویش است. اما مالک همه نتایج نیست. حضرت امیرالمؤمنین^(ع) پس از سفارش به ایستادگی در راه حق و صبوری در دشواری ها، اکنون به ما یادآوری می کند که این استقامت، بدون تکیه بر خدا دشوار است.

احکام

چگونه غیبت و تهمت را جبران کنیم؟

سمانه رضوانی| غیبت و تهمت از گناهان بزرگی است که به آبرو و حیثیت افراد آسیب می زند و در اسلام به شدت از آن ها نهی شده است. حالا سوّالی که مطرح می شود، این است که کسی که مرتکب چنین گناهی شده و پشیمان است، چطور باید این موضوع را جبران کند؟ در ادامه، نظر مراجع عظام تقلید درباره این موضوع را خواهیم گفت.

شهید آیت الله العظمی سیدعلی خامنه ای

کسی که غیبت کرده یا تهمت زده است، باید نخست با پشیمانی از این گناه بزرگ، از خداوند آمرزش بخواهد. سپس اگر تهمت زده است، باید آن تهمت را تکذیب کند و حقیقت را آشکار سازد. همچنین لازم است از کسی که غیبت او را کرده یا به او تهمت زده، حلاّیت بطلّید. اما اگر حلاّیت طلبیدن، ممکن نیست یا موجب مقسده و اختلاف بیشتر می شود، در آن صورت برای او استغفار کند.

آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی

در صورت امکان، فرد باید از صاحبان حق، حلاّیت بطلّید و رضایت آنان را جلب کند. اگر این کار ممکن نیست، باید برای آن ها کار خیر انجام دهد تا آنان از او راضی شوند.

آیت الله العظمی سیدعلی سیستانی

اگر شرایط حلاّیت طلبیدن فراهم نباشد، توبه کردن به تنهایی کافی است.

جمع بندی:

بنابراین توبه از غیبت و تهمت، مراتبی دارد؛ پشیمانی، استغفار، تکذیب تهمت، حلاّیت طلبیدن در صورت امکان و در نهایت انجام کار خیر یا استغفار برای فرد آسیب دیده. رعایت این شرایط باعث می شود که توبه، واقعی باشد و پذیرفته شود.

شکر

شنبه

۱۲ مهر ۱۴۰۵
۲۸ شهریور ۱۳۸۵
۲۸ شهریور ۱۳۸۵

۱۴



معارف



بررسی اهمیت و کارکردهای حیا در سبک زندگی

فرشته «حیا» پاسبان معصومیت

آمنه مستقیمی| وقتی در موضوعات دینی از صفت زیبای حیا صحبت می شود غالباً ذهن ها سمت زن و مقوله حجاب می رود؛ درحالی که حیا فقط در مورد حجاب و زن نیست بلکه در معارف دینی ما حیا سدی در برابر تمام بدی هاست، که قاعدتا در هر مرد و زن مؤمنی باید وجود داشته باشد. بدون تردید یکی از اصلی ترین نسخه های پیشگیرانه و درمان بسیاری از ناهنجاری ها در جامعه، ایجاد، تقویت و گسترش حیا به عنوان ارزش و فضیلتی مهم است که اگر باشد، خودبه خود موجب دوری افراد از بدی ها می شود. چپستی و کارکردهای این فضیلت انسانی را باهم بررسی می کنیم.

گزارش



میانبر رسیدن به خوبی ها

اغلب ما به دنبال آن هستیم راهی را پیدا کنیم که واسطه بین ما و همه خوبی ها شود و چه بسا هزینه های سنگین مادی و معنوی هم برای این هدف بکنیم. درحالی که می توان با یک صفت کلیدی به خوبی ها پل زد. حضرت امیرالمؤمنین امام علی^(ع) می فرمایند: «حیا وسیله رسیدن به هر زیبایی و نیکی است. (تحف العقول، ص ۸۴) در واقع گل زیبای حیا در وجود انسان زمانی می روید که آب حیات ایمان و تربیت ایمانی و معنوی بر زمین وجود او باریده باشد.



حیا از لشکریان عقل

حیا از بهترین و مهم ترین ملاک ها برای سنجش عقلانیت در افراد است؛ معیاری که پیامبر مهربانی ها بر آن تأکید دارند و می فرمایند: «ویزگی عاقل این است که هرگز حیا از او جدا نمی شود.» و در ادامه همین حدیث، حضرت درباره صفات جاهل و نادان، می فرمایند: «و صفت جاهل این است که از گناهان گذشته اش نمی ترسد و در باقی مانده عمر نیز از گناه دست برنمی دارد.» (بحارالانوار، ج یک، ص ۱۲۹). برپایه این حدیث، انسان بی حیا اصلاً عقل ندارد.



حیا چیست؟

حیا در روایات اسلامی به عنوان نور ایمان، لباس ایمان، نظام ایمان، قرین ایمان، اخلاق اسلام، زیباترین زینت های دین، ارزنده ترین صفات انسان و یکی از ویژگی های پیامبران معرفی شده است. روایات همچنین، حیا را به عنوان یک ویژگی مهم اخلاقی با آثار فراوان در زندگی فردی و اجتماعی مطرح کرده اند که در کنار عقل و ایمان به عنوان اساسی ترین اصول انسانیت شناخته می شود. در روایت مشهور به «روایت جنود عقل و جهل»، حیا از لشکریان عقل و کم حیایی از لشکریان جهل، معرفی شده است.



اگر حیا نبود...

نرمش، مهربانی، در نظر داشتن خدا در آشکار و نهان، دوری کردن از بدی ها، خوشرویی، گذشت و بخشندگی و خوش نامی در میان مردم از آثار اجتماعی آراستگی انسان به صفت حیاست. در مقابل هر قدر از آن فاصله بگیریم و در زندگی هایمان کم رنگ شود، به همان اندازه به مشکلات و مصائب مبتلا می شویم. امام صادق^(ع) به شاگرد خود، «مفضل» می فرمایند: «ای مفضل! اگر حیانبود، انسان هیچ گاه میهمان نمی پذیرفت، به وعده وفا نمی کرد، نیازهای مردم را برآورده نمی ساخت، از نیکی ها برحذر بود و بدی ها را مرتکب می شد. بسیاری از امور لازم و واجب نیز برای حیانبانجام می شود. بسیاری از مردم، اگر حیانبی کردند و شرمگین نمی شدند، حقوق والدین را رعایت نمی کردند، صله رحم نمی کردند. هیچ امانتی را به درستی بازپس نمی دادند و از فحشا برحذر نبودند.» (بحارالانوار، ج ۳، ص ۸۱).



پیشگیری از انواع گناه

تأکید بسیاری که آموزه های دینی بر ایجاد، تقویت و رعایت حیا دارند، به دلیل کارکردهایی است که برای فرد و اجتماع دارد. حیا مهم ترین عامل پیشگیری گناهان است و مانع رفتن فرد به سمت گناه و اعمال ناشایست می شود. حضرت امیرالمؤمنین علی^(ع) می فرمایند: «حیا، از کار زشت، بازمی دارد.» (میزان الحکمه، ج یک، ص ۷۱۷) دومین کارکرد مهم حیا، عفت و پاک دامنی است؛ همان ویژگی که حیات زندگی های خانوادگی و اجتماعی ما به شدت به آن وابسته است و به هر میزان که کم شود، عواقب منفی اش را در زندگی مان می بینیم؛ برای همین هم در تهاجم فرهنگی، از اهداف مهم دشمن، حیا زدایی از جامعه اسلامی است.



رأس همه خوبی ها است

رسول خدا^(ص) حیا را زینت آدمی معرفی می کنند و می فرمایند: «بی شرمی با هیچ چیز همراه نشد، مگر اینکه آن را زشت گردانید و حیا با هیچ چیز همراه نشد، مگر اینکه آن را آراست.» (امالی، ص ۱۶۷) امام صادق^(ع) جایگاه حیا را در رأس مکارم اخلاقی دانسته، می فرمایند: «مکارم اخلاق یکی بسته به دیگری است؛ خداوند آن ها را به هر که خود خواهد، دهد. ممکن است در مرد باشد و در فرزندش نباشد؛ در بنده باشد و در مولای او نباشد. (آن ها عبارتند از) راستگویی، صداقت با مردم، بخشیدن به مسکین، جبران کردن خوبی ها، امانت داری، صله رحم، دوستی و مهربانی با همسایه یا ر، میهمان نوازی و در رأس همه، حیا.» (کافی، ج ۲، ص ۵۵)

۸ نکته برای رسیدن به رکوع کامل



حجت الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی نویسنده و فعال فرهنگی

بر محمد و آل محمد درود فرست و بر ناتوانی و بیچارگی ما ترحم کن و به حق ایشان به فریاد ما برس!

برای دوری از وحشت قبر چه کنیم؟

از امام محمد باقر^(ع) مروی است که فرمودند: «مَنْ أَتَمَّ رُكُوعَهُ لَمْ تَدْخُلْهُ وَخَشَهُ فِی الْقَبْرِ؛ هر که رکوع خود را کامل به جا آورد، وحشت قبر به سراغ او نخواهد آمد.» برای نیل به چنین فضیلت عظیمی و تحقق یک «رکوع کامل»، توجه به این هشت نکته معرفتی و راهبردی ضروری است:

۱. تا زمانی که درپی اصلاح باطن نماز و

راهیابی به رُفّا و اسرار ملکوتی آن نباشیم، به ثمرات شیرین بندگی همچون اقتدار درونی برای ترک معاصی، دست نخواهیم یافت.

۲. برخی اجزای نماز در پیشگاه الهی چنان جایگاه رفیعی دارند که پس از امرکلی به اقامه نماز، مستقلاً بدان ها فرمان داده شده است؛ چنان که می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، رکوع کنید و سجده به جای آورید.» (محج ۷۷)

۳. جملگی افعال، ارکان و حالات ظاهری نماز؛

۷. اگر سجده بالاترین مظهر تقرب و نزدیک ترین حالت قرب بنده به پروردگار است، بی گمان رکوع به مثابه معبر و مقدمه ضروری وصول به آن اوج به شمار می رود.

۸. تفاوت ذکر رکوع و سجود در آن است که بنده در رکوع، در برابر صفات جلال و «بِ عَظَمِیَ» تعظیم می کند، بدین معنا که ابتدا عظمت بی منتهای حق را در رکوع درک می کند تا پس از آن در سجده، شایستگی اعتراف به علوّ شأن او را بیابد و بگوید: «سَجَدَ رَبِّی الْاَعْلٰی وَبِحَمْدِهِ».

حق تعالی در قرآن کریم، مؤمنان را به هم نوایی با کاروان واصلان فراخوانده، می فرماید: «وَاتَّقُوا مَعَ الْاَکْثَمِیْنَ» و بارکوع کنندگان، رکوع کنید. «بِقِرهِ» (۴۳). با این حال، پرسش بنیادین اینجاست که به راستی زمان رکوع حقیقی ما چه وقت فرا خواهد رسید؟

بسیار پیش آمده است که قامت در برابر پروردگار خم کرده ایم، اما جان و دلمان در وادی غفلت، سیر می کرده است؛ تن را به واداشته ایم، اما هنوز نوبت به خشوع و لرزیدن قلب نرسیده است. شایسته است بنده هنگامی که به حالت رکوع قرار گرفته است، با تمام وجود زمزمه کند: «پروردگارا! چه سعادتی والاتر از اینکه در محضر تویم؟ برای تویم و تنها در پیشگاه عظمت توست که سر تسلیم فرود می آورم.»